**غرفه ی اول**

سلام و عرض تسلیت به محبّین حضرت زهرا سلام الله علیها.

**زندگی صحنه ی یکتای هنرمندی ماست/ هرکسی نغمه ی خود خوانَد و از صحنه رود/ صحنه پیوسته به جاست/ خرّم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد**

هرکسی در زندگی خودش ماموریتی داره که باید انجام بده.

شده تا حالا فکر کنید که چرا در این زمان به دنیا آمده اید؟

چرا مثلا در زمان امام صادق علیه السلام به دنیا نیامده اید؟

یا مثلا چرا در زمان حضرت نوح علیه السلام به دنیا نیامده اید؟

همانطور که می دانید در عالم ذر ، خداوند از همه ی ما میثاق گرفته است؛ اما چه میثاقی ؟!

در زیارت آل یاسین خطاب به صاحب الامر و الزمان عجل الله تعالی و فرجه الشریف می گوییم :

"السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَ وَكَّدَه"

سلام بر تو ای میثاق محکم خدا که از مردم گرفت و سخت محکمش کرد

روشن است که ما در عالم ذر با آگاهی کامل اقرار کردیم . در سند است در عالم ذر ، زمانی که خداوند از واقعه ی عاشورا سخن گفت و پرسید که چه کسی می خواهد در این روز و با این حالت به شهادت برسد ، سیدالشهدا و یاران با وفایشان علیهم السلام دست بلند کردند و حاضر به این چنین شهادتی شدند و یارانشان دفاع از امام زمان خویش را برگزیدند تا با رویی سپید به سوی خدا بشتابند.

یک سوال؟ به راستی چرا ما برای شهادت در روز عاشورا دست بلند نکردیم؟!

شاید ماموریت ما در این زمان نیز به حلاوت و ایضا سختی همان ماموریت روز عاشوراست.

یا به طور مثال در همان عالم ذر بود که دشمنان خبیث و لعین ائمه علیهم السلام به ایشان حسادت ورزیدند و در زمانی به دنیا فرود آمدند که به امام زمانش حسادت کرده و سرانجام ایشان را به شهادت رسانیدند.

حال ما در عالم ذر چه کرده و چه گفته ایم که در این زمان به دنیا هبوط کرده ایم و قرار است چه ماموریتی انجام دهیم ؟ ما برای چه ماموریتی در عالم ذر دست خود را بلند کرده و آماده شده ایم؟

مگر جز این نیست که خداوند باری تعالی از ما پیمان گرفته است؟

آیا ماموریت ما رفتن به سوی امام زمانمان و دفاع از ایشان نیست؟

کمی بنگریم...

حال بگذارید کمی درباره ی شب حمله به خانه ی حضرت صدّیقه طاهره شهیده سلام الله علیها صحبت کنیم.

یک نکته ای که اکثریت قریب بالاتفاق از آن خبر نداریم این است که ماجرای حمله به خانه ی حضرت سلام الله علیها در یک شب صورت نگرفته . بلکه پروسه ای بوده که در طی چند شب صورت گرفته است.

یعنی مثلا یک شب عمر لعنت الله علیه می آید و دق الباب می کند و می گوید در را باز کنید.با علی کار داریم.درب منزل باز نمی شود.

روز دیگر با تهدید دق الباب می کند و درب همچنان به رویش باز نمی شود.

چندین بار این اتفاق می افتد.

می رود به ابوبکر لعنت الله علیه می گوید چه کنیم، چه نکنیم ؟ همه ی مدینه با ما بیعت کردند جز اهل آن خانه.گفتنی است که سلمان ، زبیر ، عمّار ، مقداد و ابوذر در این مدت در خانه ی حضرت تحصّن کرده بودند.

خلاصه اینکه تصمیم بر آتش زدن درب خانه می گیرند تا اهالی خانه را دست بسته به مسجد ببرند و بیعت بگیرند.

با سپاهی عظیم به راه می افتند به سمت خانه ی حضرت.

هنوز چند روزی بیشتر از شهادت پیامبر صلّی الله علیه و آله نگذشته بود و امیر مومنان علیه السلام در خانه مشغول به جمع آوری و تدوین قرآن کریم طبق وصیت رسول خدا صلّی الله علیه و آله بودند.در اینجا حدیثی را شرح می دهیم که خالی از لطف نیست.

گفتیم که پروسه ی حمله به خانه ی حضرت ، در طی چند روز اتفاق افتاد.در روزهای ابتدایی که بر در منزل حضرت پیک می فرستادند و می گفتند که بیا و بیعت کن ، على عليه السّلام جواب فرستادند: «من مشغول هستم و با خود قسم ياد كرده‏ام كه عبا بر دوش‏ نيندازم جز براى نماز، تا آنكه قرآن را تنظيم و جمع نمايم(یعنی از خانه بیرون نمی آیم تا از تدوین قرآن فارغ شوم)». آنان هم چند روز در باره او سكوت اختيار كردند.

شبهه ای که خیلی بر شیعیان وارد می کنند این است که چرا حضرت صدّیقه ی کبری سلام الله علیها رفتند و درب را باز کردند؟

در جواب باید گفت که اصلا ما چیزی به نام باز شدن درب بر روی دشمنان اهل بیت نبوة نداشته و نداریم.یعنی دری به روی ایشان باز نگشت.حضرت زهرا سلام الله علیها از پشت درب با عمر لعنت الله علیه صحبت می کردند.

هیزم آوردند و آتش روشن کردند.

حالا اینجاست که ما می خواهیم جمله ی "هرکس رسالتی دارد" را شرح دهیم.

همه مان می دانیم که معصوم علیه السلام از هرگونه رجس و پلیدی و گناه و حتی خطا نیز به دور هستند.

إِنَّما يُريدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهيراً (33/ احزاب)

حضرت زهرا سلام الله علیها ماموریت خویش را در دفاع از امام زمان خودشان می دیدند.

به همین جهت وقتی درب را شکستند و ضربه ای مهلک بر حضرت وارد کردند ، ضربه ای که شب معراج ، خداوند به رسول الله صلّی الله علیه و آله فرمود :

"اما دخترت بعد از تو مظلوم واقع مى‏شود، حق او را غصب مى‏كنند (يعنى باغ‏ فدك‏ را از او مى‏گيرند) و در حال حاملگى او را مورد ضرب قرار مى‏دهند و بدون اجازه به خانه او داخل مى‏شوند و بعد هم به وى اهانت مى‏كنند و بد مى‏گويند، بعد هم آنچه را كه در شكمش بوده سقط مى‏كند و عاقبت هم از همين ضرب مى‏ميرد.[[1]](#footnote-1)"

این حدیث قدسی است.انقدر ضربه مهلک و سترگ بوده که حضرت ، از شدت درد صیحه می کشند.

امیر مومنان علیه السلام یقه ی عمر لعنت الله علیه را می گیرند و می کوبانندش زمین و میخواستند همان جا کار را تمام کنند ولى سخن پيامبر صلى اللَّه عليه و آله و وصيّت او در باره صبر و تسليم را بياد آورد، که این جمله ، شاهد عرض بنده است؛ فرمود: «اى پسر صُهاك‏، قسم به خدايى كه محمّد را به نبوّت كرامت داد، اگر نبود مقدّرى كه از طرف خداوند نوشته شده مى‏فهميدى كه تو نمى‏توانى داخل خانه‏ام شوى»!

در اینجا سوالی مطرح میشه: از آنجایی که علم ائمه علیهم السلام بر همه چیز احاطه دارد ، چرا با وجود اینکه امیر مومنان علیه السلام می دانستند که اتفاقات آن شب ، منجر به شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها می شود ، چاره ای نیاندیشیدند و در صدد جلوگیری از این امر بر نیامدند؟

پاسخ این سوال را از زبان علامه طباطبایی رحمة الله علیه بشنویم.

ایشان می فرمایند: ما دو نوع امر داریم.امر قطعی و امر شرطی.فعلا به دلیل ضیق وقت فقط امر قطعی را شرح می دهیم.

امر قطعی ، امری است که واجب شده است.یعنی قضا و قدر و اراده خداوند متعال به وقوع رسیدن آن را ضروری کرده است.

بر اين پايه است كه ائمه عليهم السلام با اينكه مى دانستند شهيد مى شوند، اقدام به انجام فعل مى كردند؛ حضرت امير مؤمنان عليه السلام به محراب مى رود، و امام حسن و امام رضا عليهما السلام نوشيدنى مسموم يا انار و انگور مسموم تناول مى كنند، و حضرت سيدالشهداء عليه السّلام وارد كربلا مى شود، و در صدد چاره جويى و دفع قضا و قدر الهى بر نمى آيند.

چرا؟ چون ائمه علیهم السلام تسلیم قضای الهی بودند.

و نیز برای روشن تر شدن موضوع به فلش بَکی از زندگی حجت خدا ، حضرت سلیمان علیه السلام ، توجه می کنیم :

خداوند تعالی به حضرت سلیمان علیه السلام فرزند پسری عطا فرمود . حضرت او را بسیار دوست می داشتند. ديوان و پريان به همديگر گفتند اگر اين فرزند براى سليمان باقى و زنده بماند مانند پدرش بر ما سخت خواهد گرفت، لذا سليمان از خطر آزار پريان و ديوان ترسيده و فرزند خود را به دايه ابر سپرد تا در آنجا دور از خطر شريران، شير خورده و بزرگ شود، تا آنكه روزى جسد مرده او را روى تخت خود ديد و دانست كه حذر جلوگيرى از قدر نميكند.

این موضوع درست بر می گردد به حرف امیر مومنان علیه السلام که در بالا ذکر کردیم و بار دیگر تاکید میکنیم که فرمودند : اگر نبود مقدّرى كه از طرف خداوند نوشته شده مى‏فهميدى كه تو نمى‏توانى داخل خانه‏ام شوى.

از این رو درمی یابیم که کار و فعل معصوم علیه السلام جز بر رضای خداوند متعال نبوده و نیست.پس این شبهاتی که امروزه بر ماجرای شهادت وارد می کنند ، گزافی بیش نیست .

شبهاتی مانند اینکه : چرا امیرالمومنین در را باز نکردند/ اصلا آن زمان دری نبوده / حضرت زهرا سلام الله علیها از غصه ی پدرشان دق کردند و خیلی شبهات دیگر مانند این قابل پاسخگویی است .

و اما آن بانوی دو عالم سلام الله علیها با شهادت خودشان در راه ولایت ، خواستند تا ندایی را به گوش مردمان تمام عصر ها برسانند و آن این است که :

"**امام زمان خودتان را تنها نگذارید گرچه یک شهر پر از منافق باشد و شما تنها...**

**برای دفاع از امام زمان تان بجنگید گرچه کشته شوید...**

**مگر همین ما نیستیم که هر صبح در دعای عهد می خوانیم :**

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ، الذَّابِّينَ عَنْهُ، الْمُسَارِعِينَ فِي حَوَائِجِهِ، الْمُمْتَثِلِينَ لِأَوَامِرِهِ، الْمُحَامِينَ عَنْهُ، الْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.

خداوندا! مرا از ياوران و مدافعين او و آنها كه سعى در انجام مقاصد او دارند و از پشتيبان‏هاى وى و كسانى كه در ارادت بحضرتش سبقت گرفته‏اند و آنان كه در ركابش شهيد مى‏شوند، قرار بده!

خب مگر اینها که ما می خوانیم و از خداوند طلب می کنیم همان کارهایی که حضرت صدّیقه طاهره سلام الله علیها برای امام زمان خود انجام دادند ، نیست؟

پس حضرت را برای خودمان الگویی بگیریم که برای ما نیکوترین الگویند...

**و بدانید هنوز که هنوز است ، امام زمان مان تنهاست...برای دفاع از او بجنگیم تا حقانیتش را ثابت کرده و به گوش جهانیان برسانیم...**

**یار راستین امام زمان مان باشیم..."**

**و سخن آخر این غرفه:**

حضرت زهرا سلام الله علیها به خواب علامه میرجهانی رحمة الله علیه آمدند و این دو بیت شعر را فرمودند:

**"دلی شکسته تر از من در آن زمانه نبود**

**در این زمان دل فرزند من شکسته تر است"**

**باشد که بیندیشیم...**

برای ادامه ی بحث به غرفه ی بعد تشریف ببرید.از توجه تان بی نهایت سپاسگزارم.

1. الجواهر السنية في الأحاديث القدسية (كليات حديث قدسى)، ص: 570 [↑](#footnote-ref-1)